ترجمه الص

فقه

تحفه الزائر

السرائر

2435

لـ

2440

ان الصلوٰۃ تنہیٰ عن الفحشاء والمنکر

حسب الارشاد فیض بنائے فخر العلماء الفقہاء الانام المفاخر حضرت الحاج المولوی حسین صاحب دام ظلہم العالی
علم الفقہ رہنمو سید محمد حیّ الاثر رشید تفضل صاحب قبلہ

رحمۃ الصلوٰۃ

سنہ ۱۳۰۷ھ

تمام العبادات مشتملے
باہتمام ضعیف عقید محمد مظفر علیخاں مالک و مہتمم مطبع تہذیب واحباب شہر مرادآباد جامع محلہ

بمطبع تہذیب الہند آفاق مرادآباد طبع شد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة على سيد المرسلين وعترته الاكرمين اما بعد چنين گويد احقر عباد الله
محمد باقر ابن محمد تقى كه چون نماز از عمده اركان ايمان است مى بايد كه بنده مؤمن شرايط و آداب آنرا
بداند از انجمله مى بايد بداند كه خداوندى دارد كه همه آسمانها و زمينها و خلايق را آفريده است و
بر هر عاقلى ظاهر است كه هيچ بناى بى بنّائى نمى باشد و اگر هر كس گويد بطفلى كه اندك شعورى داشته باشد
كه فلان بنا خود بخود بهم رسيده است البته آن طفل قبول نمى كند پس وجود حق سبحانه و تعالى ظاهر است نزد هر
عاقلى وليكن مى بايد كه خداوند خود را منزه داند از آنكه شبيه بمخلوقى از مخلوقات باشد پس بداند كه جسم
نيست مانند هوا و نور و بزرگى و كوچكى و رنگ و بوى و مزه ندارد و ديدن و شنيدن و بوئيدن و چشيدن و لمس
كردن و احساس او نميتوان كرد و مكان ندارد و در عرش و كرسى نيست با آنكه در همه جا هست و در هيچ جا نيست
باين معنى كه علم و قدرتش بهمه چيز احاطه كرده وليكن عقل بكنه ذات او نميتواند رسيد نمى بينى كه كور مادر زاد علم دارد كه سرخ
و زرد و سبزى مى باشد اما تصور آنها نمى تواند كرد و هر چه تصور كند غلط كرده است و ديگر بداند كه حق سبحانه و تعالى قادر
است و مختار است بقدرت كامله خود همه اشيا را از عدم بوجود آورده است و عالم است بهمه اشيا و بهمه ذرات ظاهر است
و در ازل آزال علم داشت بجميع آنچه در ابد الآباد آفريده است هر چه اراده كند كه موجود شود بمجرد اراده موجود ميشود
و چون آدمى فكر كند در هر ذره از ذرات كاينات بر وى ظاهر ميشود كه خداوندى دارد كه آنرا ايجاد كرده است و آدمى بخود
راه نمى دهد كه كارى را عبث بكند بيقين كه تجويز نخواهد كرد كه خداوند او كه قدرتش بر كمال است و علمش لا يزال است
كار بيهوده يا عبث باشد بكند و هر چه كرده است يا مى كند همه عين حكمت و مصلحت بندگان است و ديگر خود
فرموده است كه من همه خلق را آفريدم كه بندگى كنند مرا و مراد نه آنست كه محتاج بندگى ايشان باشم بلكه ميخواهم
كه بندگى كنند مرا تا قابل ثوابهاى غير متناهى من شوند و چون باين بندگان خداوند ايشان نعمتى عظيم
بود همه كس قابل دريافت مراد الهى نبودند جمعى از ايشان را قابل رسالت گردانيد و بجميع كمالات موصوف

ساخت و ایشان را بخلایق فرستاد و هر یک از ایشان را معجزات کرامت فرمود تا بر خلایق ظاهر شود که
ایشان از جانب او بخلق آمده اند از انجمله پیغمبر ما صلی الله علیه و آله را بما فرستاده زیاده از هزار معجزه باو کرامت فرمود و
بلکه هر معجزه که بهر پیغمبری داده بود همه را بآنحضرت کرامت فرمود و از جمله خصایص آنحضرت آنست که معجزه
آنحضرت تا قیام قیامت باقی خواهد بود بخلاف سایر انبیا که معجزه ایشان مخصوص بزمان حیات ایشان
بود و آن قرآن است که جمیع فصحای عرب را فرمودند که مثل قرآن را بیاورند عاجز شدند و باز فرمود که ده
سوره بیاورند نیاوردند و همه عاجز شدند و اعتراف نمودند بعجز و هر که تعصب نورزید بشرف اسلام مشرف
شد و اعجاز قرآن از وجوه بسیار است اول از جهت فصاحت و بلاغت که در اعلی مرتبه است دوم از جهت نظم و اسلوبی که
نشنیده بودند مثل آنرا سوم از جهت احاطه بجمیع علوم اولین و آخرین چنانچه زیاده از هزار سال است که چندین هزار عالم
و فاضل در ان غور مینمایند و استنباط علوم میکنند و بقطره از ان دریا نرسیده اند و هر چند بیشتر فکر میکنند
بیشتر ظاهر میشود با آنکه آنحضرت نزد عالمی تردد نکرده بود بلکه در میان عرب خصوصا در مکه معظمه عالمی نبود و همانا
خبر داده از جمیع کتب پیغمبران و از جمیع احوال ایشان چهارم آنکه هر کتابی و هر حکایتی را که دو بار خوانند
بار سوم نمیتوان خواهد شنید بخلاف قرآن اگر صد هزار مرتبه خوانده شود رغبت زیاده می‌شود پنجم
آنست که در قرآن مجید حق سبحانه و تعالی خبر از آینده بسیار داده است که همه واقع شده است و بسیاری
دیگر را خبر داده است که واقع خواهد شد ششم آنکه شفای همه دردهاست و دافع و رافع همه بلاهاست هر آیتی را
که از جهت هر مطلوبی از روی اخلاص بخوانند البته آن حاجت روا میشود و بیان اعجاز و معجزاتیکه مشتمل است
قرآن مجید بر ان حصر نمیتوان نمود و همچنین معجزات دیگر که از آنحضرت ظاهر شد مانند زنده کردن مردگان و
شق القمر و گواهی دادن سنگ و چوب و در و دیوار بر پیغمبری آنحضرت و همچنین هر معجزاتیکه بر دست حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام و حضرات ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ظاهر شده است چنانکه دلیل حقیت امامت
ایشانست دلیل نبوت آنحضرت است زیرا که آن جماعت با این معجزات تصدیق نبوت آنحضرت
کرده اند بلکه معجزات ائمه دلیل وجود واجب الوجود نیز هست چنانکه جمیع پیغمبران که معجزات مینمودند خلق می گفتند
که اگر خدا نمی‌بود ایشان کی قادر بر این معجز میشدند و باید اعتقاد کند که بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خلیفه و جانشین آنحضرت است و اطاعت او بر همه خلق واجب است و بعد از او حضرت
امام حسن علیه السلام و بعد از او حضرت امام حسین علیه السلام و بعد از او حضرت امام زین العابدین علیه السلام
و بعد از او حضرت امام محمد باقر علیه السلام و بعد از او حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام و بعد از او

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و بعد از و حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و بعد
از و حضرت امام محمد تقی علیه السلام و بعد از و حضرت امام علی نقی علیه السلام و بعد از و حضرت
امام حسن عسکری علیه السلام و بعد از و حضرت صاحب الزمان که امام این زمان است و غایب است و ظاهر خواهد
شد و عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد و همه کافران و مخالفان را بدین حق در خواهد آورد و چون حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله از حج وداع رجوع نمودند و بغدیر خم رسیدند امر الهی رسید که آنحضرت علی بن ابیطالب را وصی خود
و جانشین نماید و بعد از آنحضرت رسول یازده معصوم دیگر را فرمودند که خلیفه و جانشین من خواهند بود بترتیب
و امام دوازدهم غایب خواهد شد و بعد از آن ظاهر خواهد شد و عالم را پر از عدل و داد خواهد کرد بعد از آنکه
پر از ظلم و جور شده باشد و دیگر می باید که اعتقاد کند به آنکه هر چه خاتم پیغمبران فرموده است حق است
و از آنجمله آنست که چون حضرت امام محمد مهدی صلوات الله علیه ظاهر خواهد شد دشمنان ایشان را
زنده خواهد کرد و بسیاری از خواص شیعه نیز زنده خواهند شد و شیعیان داد خود را از دشمنان ایشان خواهند
گرفت بجهت آنکه حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید خبر داده است از آن با سایر اخبار که حق سبحانه و تعالی خبر
داده است و باید اعتقاد کند که سوال قبر و عذاب قبر و ثواب قبر بر حق است و قیامت حق است و جمیع مردگان زنده
خواهند شد و بجزای اعمال خود خواهند رسید و بهشت حق است و دوزخ حق است و چون بنده بالغ و عاقل باشد
و خواهد که نماز کند پس اگر جنب باشد و وقت نماز داخل شده باشد غسل جنابت می کند و چنین نیت میکند که
غسل جنابت میکنم از جهت مباح بودن این نماز و باقی نمازها و باقی چیزها که بسبب آن مباح میشود واجب
بجا می آورم اگر قصد قضا و ادا نکند کافیست یعنی قصد میکند که چنان حق سبحانه و تعالی فرموده است اطاعت امر او
میکنم و اگر پیش از دخول وقت باشد بقصد قربت میکند و لیکن قصد وجوب و سنت نمیکند و اگر قصد مباح بودن
نماز مطلق میکند که هر نمازی که خواهد بکند بهتر است و همچنین اگر وضو داشته باشد وضو سازد و اگر وقت
داخل شده باشد بقصد وجوب اگر پیش از وقت باشد بقصد قربت و همچنین اگر زنی حائض
یا نفسا باشد و پاک شده باشد از خون غسل حیض و نفاس را واقع می سازد پس اگر بعد از دخول
وقت باشد بقصد وجوب غسل می کند و اگر پیش از دخول وقت باشد بقصد قربت و اگر نمازی
در ذمه ایشان باشد غسل و وضو بقصد نماز قضا واقع می سازند بقصد وجوب و اگر علم بقضا
نداشته باشد چنانچه گفتیم نیت می کنند که غسل می کنم بجهت رفع حدث و مباح بودن نماز و هر چیزی که
بغسل مباح میشود قربة الی الله و چون نیت غسل کند آب بر سر ریزد و تمام سر و گردن را بشوید و اگر

واگر موی کشته باشد آب بزیر مو برساند واگر گوشش سوراخ داشته باشد احوط آنست
که آب بسوراخ گوش برساند و مجربست که سوراخ بهم نمی آید هر چند بد تنها شده باشد و آب نه البته باید
رسانید و مشهور آنست که شستن مو در کار نیست واگر نشوید احوط است بهتر آنست تا زنان اگر موهای
بافته بگشایند خصوصاً در غسل حیض و نفاس چون از شستن سر و گردن فارغ شود بدن را میشوید احوط
آنست که اول جانب راست را بشوید و بعد از آن جانب چپ را و بعد از غسل جنابت احتیاج بوضو نیست
و بعد از غسل حیض و نفاس مس میت نیز وضو در کار نیست غسل کافیست و لیکن اگر وضو احتیاطاً
پیش از غسل واقع سازد بهتر است بقصد قربت و اگر بعد از نیت آب فرو رود کافیست و این غسل را
ارتماسی میگویند و اگر روزه باشد باید که غسل ترتیبی بعمل آورد و سر را بآب فرو نبرد و در همه حال غسل
ترتیبی بهتر است و اگر در حمام غسل کند اول سر و گردن را در میان آب بشوید و آنچه از بدنش بیرون روزه باشد منه ۱۲
آب باشد بشوید بهتر است آنچه اندرون آب باشد قصد شستن آن بکند و حرکت بدهد و دستی بمالد
که آب بجانب راست همه جا برسد و بعد از آن جانب چپ را بدستور بشوید خوب است و اگر در شستن هر طرف پا را
از آب بیرون آورد و آب را بر بریزد و یا داخل کند بهتر است و اگر در غسل ارتماسی بدن را اولاً پاک سازد و تخته
را بر آب کشد و بالای تخته رود و نیت کند و یکبار داخل آب شود بهتر است و وسواس از شیطان است و در نیت
و طهارت و نیت امریست قلبی که همگی اراده و چون وضو سازد و نیت کند احوط آنست که آب را از جانب بالای
روی و رستنگاه موی سر بریزد و مقداری از رو را میشوید که انگشت مهین و میانین میان بگیرد و ما بقی را تا گوش بقصد
احتیاط میشوید و اگر ریش او کثیف باشد که پوست نمایان نباشد روی موها میشوید و اگر تنک باشد پس اگر مانند مورچه نمی
باشد آب همه جا برساند و اگر بعضی پیدا باشد و بعضی پیدا نباشد احتیاطاً آب همه جا برساند بعنوان جریان
و بعد از آن دست راست را بشوید ابتدا از مرفق کند تا سر انگشتان و مرد اول آب را بر پشت دست بریزد و
زن آب را بر شکم دست بریزد و دست را از بالا بپائین آورد و بهتر آنست که دست برگرداند و
برآرد و باز از بالا بپائین آرد تا آب بهمه دست جاری شود و بعد دست چپ را بشوید هر چند تری از شستن
رو داشته باشد احوط آنست که آب تا ناخنها برساند و ناخنها اگر دراز باشد چرک آنرا بیرون کند بعد از آن
دست چپ را بهمین طور بشوید و بعد از آن مسح پیش سر را میکند و بهتر آنست که اقلاً مقدار سه انگشت البته انگشت
بکشد و بهتر آنست که بدست راست بکشد و تا مقدار آب دست نمانده باشد که اول غسل بعمل آید چون
خواهد که مسح کند آب دستها را بیفشاند که کم شود و از بالای سر بپائین بکشد و بهتر آنست که دست

پیش سر برسد و بهتر آنست که بدست راست مسح پای راست بکند و بدست چپ پای چپ را
مسح کند از آبی که از وضو مانده باشد و آب تازه برندارد و احوط آنست که بجمیع کف دست پاها را مسح کند و
اول پای راست را مسح کند و دیگر پای چپ را و سنت است که اول دستها را تا بند دست یکمرتبه بشوید اگر وضو از خواب
یا بول سازد و دو مرتبه بشوید اگر از حدث غائط باشد و در غسل سه مرتبه بشوید و مستحب است که این دعاها را
بخواند باین نحو که چون خواهد که آب وضو ابردارد و دست بشوید بسم الله وبالله والحمد لله الذی جعل الماء
طهورا ولم یجعله نجسا یعنی وضو میسازم بیاری نام خدا و ذوات مقدس و حمد و تسلیم خداوندی که آب را پاک کننده
گردانیده است و نجس نگردانیده است و بعد از مضمضه بخواند اللهم لقنی حجتی یوم القاک واطلق لسانی
بذکرک وشکرک واجعلنی ممن ترضی عنه یعنی خداوندا تلقین نما بمن حجت مرا روزیکه بملاقات مینمایم
ترا یعنی ملائکه تو وقتی که از من سوال مینمایند اعتقادات مرا در قبر گویا گردان زبان مرا بیاد تو و شکر تو و
بگردان مرا از آنهائی که خوشنود گردیده از ایشان و بعد از استنشاق بگوید اللهم لا تحرم علی ریح الجنة
واجعلنی ممن یشم ریحها وروحها وریحانها وطیبها یعنی خداوندا حرام مگردان بمن بوی بهشت
را و بگردان مرا از آنهائی که میشنوند بوی آنرا و نسیم آنرا و گلهای آنرا و بوی خوش آنرا و بهتر آنست که
مضمضه و استنشاق را سه مرتبه بکند و چون آب بروی زند بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و بعد بشستن
روی یا در اثنای آن بگوید اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه الوجوه ولا تسود وجهی یوم
تبیض فیه الوجوه یعنی خداوندا سفید نورانی گردان روی مرا روزیکه سیاه می گردد در آن بعضی از روها
و سیاه تیره مگردان روی مرا روزیکه سفید می گردد در آن بعضی از روها یعنی روز قیامت و چون دست راست
بشوید بگوید اللهم اعطنی کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری وحاسبنی حسابا یسیرا
یعنی خداوندا بده بمن روز قیامت نامه اعمال مرا بدست راست من و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست
چپ من و حساب کن مرا حساب آسانی و چون دست چپ را بشوید بگوید اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی
ولا من وراء ظهری ولا تجعلها مغلولة الی عنقی واعوذ بک من مقطعات النیران
یعنی خداوندا مده بمن روز قیامت نامه مرا بدست چپ من و نه از پشت سر من مگردان دست مرا غل
کرده بسوی گردن من پناه می برم بسوی تو از جامههای که در جهنم برای کافران می برند از آتش و چون
مسح سر کند بگوید اللهم غشنی برحمتک وبرکاتک وعفوک یعنی خداوندا فرا گیر از سر
تا پای مرا رحمت اخروی و برکتهای دنیوی و آمرزش خود و چون مسح پاها کند بگوید اللهم

كَثِّبِتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ
عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ یعنی خداوندا ثابت گردان قدم مرا در قیامت بر صراط در
روزیکه می لغزد در ان قدمهای کافران عاصیان وبگردان سعی رفتار مرا درانچه باعث خوشنودی تو می گردد
از من وچون متوجه نماز شود اذان واقامت بگوید ودر اذان چهار مرتبه اللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید یعنی خدا ازان
بزرگترست که عقلها باو تواند رسید ودو مرتبه اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یعنی گواهی میدهم که معبودی نیست
سزاوار پرستیدن بجز معبود یکتای بحق که متصف است بجمیع صفات کمال ودو مرتبه بگوید اَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ یعنی گواهی میدهم که محمد فرستاده خداست ودو مرتبه حَیَّ عَلَی الصَّلٰوةِ یعنی
بشتابید بسوی نماز ودو مرتبه حَیَّ عَلَی الْفَلَاحِ یعنی بشتابید بسوی خیری که موجب رستگاری آخرتست
ودو مرتبه حَیَّ عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ یعنی بشتابید بسوی عملی که بهترین عملهاست که آن نمازست ودو مرتبه
اللّٰهُ اَکْبَرُ ودو مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ ودر اقامت دو اللّٰهُ اَکْبَرُ از اول می اندازد ویک لَا اِلٰهَ
اِلَّا اللّٰهُ از آخر ودو مرتبه قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ بعد از حَیَّ عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ می گوید وبگمان فقیر اگر
در آخر اقامت نیز دو مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بگوید خوبست وسنت ست که درمیان اذان واقامت سجده
رود وبگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبِّی سَجَدْتُ لَکَ خَاضِعًا خَاشِعًا واگر ایستاده اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید مجزیست
ودر زنان آن بقدر اذان واقامت تاکید ندارد که در مردان دارد واگر ایشان اکتفا بچهار مرتبه اللّٰهُ اَکْبَرُ
ودو مرتبه اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ ودو مرتبه اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ می توانند کرد واگر
همه را یکمرتبه بگویند ظاهرا کافیست واگر بشهادتین تنهائی اللّٰهُ اَکْبَرُ اکتفا کنند مجزیست واذان واقامت
را تمام هم میتوانند گفت بشرطیکه نامحرم صدای ایشان نشنود واگر بعد از شهادتین یکمرتبه یا دو مرتبه
اَشْهَدُ اَنَّ عَلِیًّا وَلِیُّ اللّٰهِ بگوید بقصد تبرک نه بقصد اینکه داخل جزو اذانست بد نیست یعنی گواهی
میدهم که علی ولی خداست صاحب اختیار امور خلائق ست وگفتن مُحَمَّدٌ وَعَلِیٌّ خَیْرُ الْبَشَرِ داخل اذان نیست
ودرمیان اذان واقامت خواندن این دعا سنت است اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِی بَارًّا وَعَیْشِی قَارًّا وَرِزْقِی دَارًّا
وَاجْعَلْ لِی عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا یعنی خداوندا بگردان
دل مرا نیکوئی کننده وزندگانی مرا در خوشی وشادمانی وروزی مرا بسیار ریزنده وبگردان از برای من
نزد قبر محمد صلی الله علیه وآله محل قرار در حیات وبعد از مرگ ومرد را سنت است که چون بنماز ایستد
پاهای خود را بقدر یک شبر از یکدیگر دور گذارد وتا چهار انگشت گشاده نیز خوب ست وباید

که برابر یکدیگر باشند و انگشتان پاها رو بقبله باشد و منحرف نباشد و دستها را بیاویزد و بر رانها
بگذارد و برابر زانوها و انگشتان باز نباشد و بیکدیگر چسپیده باشند پس هفت نوبت الله اکبر
بگوید شش را بقصد سنت بجا آورد یا آنکه اول سه مرتبه بگوید الله اکبر و در تکبیری سر دست بردارد
تا به نرمه گوش کف دستها رو بقبله باشد و بعد از این دعا بخواند اللّهمّ انت الملک الحق المبین لا اله
الا انت سبحانک و بحمدک عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی انه لا یغفر الذنوب
الا انت یعنی خداوندا توئی پادشاه ثابت دائم نیست معبودی بجز تو پاک میدانم و منزه میشمارم ترا از هر چه
لائق جلال ذات و کمال صفات تو نیست احمد شکر میکنیم بد کرده ام و ستم بنفس خود نموده ام پس بیامرز از برای
من گناهم را بدرستیکه نمی آمرزد گناهان بغیر از تو پس دو مرتبه بگوید الله اکبر و بگوید لبیک و سعدیک
والخیر فی یدیک والشر لیس الیک والمهدی من هدیت عبدک و ابن عبدیک
ذلیل بین یدیک منک و بک و لک و الیک لا ملجا و لا منجی و لا مفر و لا مهرب
منک الا الیک سبحانک و حنانیک تبارکت و تعالیت سبحانک ربنا و رب البیت الحرام
یعنی می ایستم بخدمت تو ایستادنی بعد از ایستادنی یعنی همیشه در خدمت تو ایستاده ام یا آنکه چون مرا بنماز
طلبیده اینک اجابت تو کرده ام و لبیک گویان در خدمت تو ایستاده ام و یاری میکنیم ترا یاری نمودنی بعد از
یاری نمودنی یعنی پیوسته فرمانبردار توام و نیکیهای دنیا و آخرت همه در دست قدرت تست و بدی از تو
نیست بسوی تو راهی ندارد هدایت یافته کسی است که او را هدایت کرده بنده توام و کنیز زاده
و غلام زاده توام که در خدمت تو ایستاده ام از تست ابتدای وجود من و به تست بقا و یاوری من
و از برای تست کارهای من بسوی تست بازگشت من نیست پناهی و امیدگاهی و گریزگاهی از تو مگر بسوی تو
پاک و منزه میدانم ساحت کبریائی ترا از غبار هر چه ترا نسزد و نشاید جل آنکه سؤال میکنیم از تو رحمت
و مهربانی را پیوسته و دائم مبدأ جمیع برکتها توئی در دنیا و عقبی و بلندتری از ادراک عقلها و وهمها
مقدس و منزهی ای پروردگار خانه کعبه یعنی معبود و مقصودم توئی نه کعبه رو بکعبه آورده ام بفرموده تو پس تکبیر
یکمرتبه بگوید پس نیت کند که نماز صبح میکنم از جهت آنکه واجب است قربة الی الله و همین که در خاطرش
باشد نیت است پس بگوید الله اکبر تکبیر احرام را و این دعا بخواند وجهت وجهی للذی
فطر السموات والارض علی ملة ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و
منهاج علی صلوات الله علیه حنیفا و مسلما و ما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی و محیای

وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ یعنی
روی دل خود را گردانیدم برای آن کسی که آفریده بی ماده و مدت بمحض کمال قدرت بیافرید آسمانها و زمینها را
در حالتی که بر ملت یگانه پرستی حضرت ابراهیم و دین حق محمد صلی الله علیه و آله و سلم و طریق مستقیم علی علیه السلام در اصول و
فروع دین ثابت و راسخم و مایلم از شرک و ادیان باطله بسوی توحید و دین حق رسول خدا و ائمه هدی علیهم السلام در تمام
جمیع اوامر و نواهی ایشان و نیستم از شرک آورندگان شرک جلی مانند بت پرستی و نه شرک خفی مانند ریا و
متابعت و موالات غیر ائمه هدی علیهم السلام بدرستی که نماز من و نسک من یعنی قربانی من یا حج من یا همه عبادتهای من و
زندگانی من و مردن من یا آنچه بر آنم در زندگی من و آنچه بمن میرسد بعد از مردن من خالص است از برای خداوند
که پروردگار جهانیان است نیست او را شریکی و انبازی در خلق عالم و در معبودیت و استحقاق عبادت و نیستی در
عبادت او کسی را با او شریک نمیکنیم و باین مامور شده ام از جانب خدا که او را بیگانگی پرستم و من از جمله مطیعان و فرمانبردارانم
و این کلمات فی الحقیقت نیت نماز است و عمده آنچه در همه عبادات معتبر است همین اخلاص است که در نیت
مذکور است پس بگوید أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ یا بگوید أَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ یعنی پناه می گیرم و التجا می برم بمعبود حق و خداوند مطلق که شنوا است جمیع گفتهای خلایق را و داناست
جمیع معلومات را خصوصاً اعمال و نیات بندگان را از شر وسوسه و فریبنده سرکش یا دور شونده از رحمت حق و رجیم است یعنی
سنگباران کرده شده او را ملائکه چون از آسمانها رانده شد یا به تیر شهاب یا بلعنت خدا و خلق رجوم است پس سوره حمد بخواند
بقصد جزئیت و یک سوره تمام بخواند بقصد قربت چون قرائت سوره حمد در نماز واجب است و بهترین سوره در اکثر نمازها بعد
از آن سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ و سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ است ترجمه این سوره ها بر سبیل اجمال اینست
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ یعنی استعانت میجویم بنام خداوندی که مراد از آن ذاتی است مستجمع جمیع صفات
کمال است رحمن است بنعمتهای عام النسبت بجمیع خلایق و رحیم است برحمتهای خاص النسبت بمومنان در دنیا و آخرت
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ یعنی جمیع ستایشها مخصوص خداوندی است که آفریننده و تربیت کننده جمیع عالمیان است
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ تاکید بسمله است یا آنکه در آنجا مراد رحمانیت و رحیمیت دنیا است و در اینجا رحمانیت و رحیمیت آخرت است
که با بدکاران شیعه از احسان می بخشد و مومنان را می آمرزد و داخل بهشت می گرداند مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ یعنی جزا
دهنده روز جزا یا متصرف در امور در روز جزا و جمعی قرائت ملک خوانده اند بدون الف بفتح میم و کسر لام یعنی پادشاه روز جزا
و تخصیص روز جزا با آنکه اکثر روایات دلالت بر مالک و پادشاهی دارد اختیار آن اولی باشد چون بسبب استعاذت شیطان
رجیم و استعانت بخداوند رحیم و تذکر صفات کمالیه رب العالمین اقرار بیوم الدین بعد از خباثت ... جمله قربی

و بعد از نهایت هجران اندک وصلی بهم رسید از مقام غیبت گویا بمجلس انس و حضور رسیده بعنوان مخاطب سخن میگوید
که ایاک نعبد یعنی عبادت میکنیم ترا و لیکن در همین مقام دیگران را نیز ضم کرد که شاید ببرکت آنها عبادت او نیز قبول گردد
و چون این کلام موهم این بود که او بصفات خود بعبادت خود میکند و خود را مستقل در آن میداند نعبدان فرمود و ایاک نستعین
یعنی از تو استعانت میجوئیم و نه از غیر تو در همه امور حضور در عبادت و دیگر آداب مقرره دعا از توسل بجناب مقدس الهی حمد او و ذکر نعم
غیر متناهی و ذکر او بصفات کمالیه وسیله انجام الحاجات است ظاهر از عبارات و بعمل آوردن دعا بحسب عبادت است زیرا که بسوی خدا و اعظم اسباب قرب است
در درگاه حق تعالی شروع نمود بدعا و چون هدایت براه اعظم مطالب است و بالیقین ابتدا بان نمود و فرمود اهدنا الصراط
المستقیم یعنی هدایت و رهنمائی کن ما را براه راست یعنی راه حق زیرا که راه حق راست است و نیز دور بسوی بهشت صوری و معنوی
و دور از افراط و تفریط و غلو و تقصیر میباشد زیرا که هر کسیکه غلو میکند از جاده راست از حق بدر رفته است
و کسیکه تقصیر میکند از جانب دیگر از حق بدر رفته است چنانچه فرموده اند راه راست و چپ گمراه کننده است حق طریق وسط
مثال آنکه جمعی در باب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام غلو کرده اند بخدائی او قائل شده اند یا او را بهتر از پیغمبر صلی الله علیه و آله
دانسته اند و گروهی و بعضی بامامت آنحضرت قائل نشده اند و کافر شده اند و راه راست و راه وسط آن جماعتی است که اعتقاد
بامامت آنحضرت بعد از حضرت رسول بلا فاصله کرده اند و یازده نفر از فرزندان آنحضرت را نیز بترتیب بعد از او امام دانسته اند
و متابعت ایشان در گفتار و کردار بر خود واجب دانسته اند و ایشانند که در دنیا بر صراط مستقیم اند در آخرت نیز بآسانی بر
صراط میگذرند چنانکه در احادیث وارد شده است که صراط دو صراط است یکی صراط دنیا که ولایت و متابعت اهل بیت رسالت است
که راه حق است و دیگر صراط آخرت است که راه بهشت است از برای مومنان بر روی جهنم کشیده اند و مومنانی که در دنیا
بر صراط دین حق ثابت بوده اند از آن صراط عبور میکنند بسوی بهشت و در احادیث عامه و خاصه مستفیضه وارد شده است
که صراط مستقیم علی بن ابیطالب است یعنی ولایت و متابعت آنحضرت و امامان از ذریت او یعنی ما را بایمان ثابت بدار و
بکمال مرتبه یقین برسان و چون کمال ایمان بمحبت اوصیاء و متابعت ایشان است در تتمه اشاره باین معنی نموده
فرمود صراط الذین انعمت علیهم یعنی صراط مستقیم راه آن گروهی است که انعام کرده بر ایشان مراد نعمت دنیا
نیست زیرا که نعمت دنیا را بمومنان و کافران و منافقان و صالحان و فاسقان عطا کرده است بلکه بکافران و فاسقان بیشتر
داده است بلکه مراد نعمت دین و محبت و معرفت و قرب رب العالمین است چنانکه در آیه دیگر در شان شیعیان اهلبیت
علیهم السلام فرموده است که هر که اطاعت خدا و رسول او کند در ولایت علی ابن ابیطالب و امامان از ذریت او پس ایشان در بهشت
با گروهی اند که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیقانند
ایشان و در احادیث وارد شده است که مراد از پیغمبران حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله است و از صدیقان

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و از ایشان حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام و از صلب حسین
سائر ائمه هدی علیهم السلام پس مراد از این آیه آنست که راه رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را بنما و ما را تابع
ایشان گردان و وجود این آیه اشاره بیک رکن عمده ایمان بود که ولایت و متابعت ایشانست و آیات دیگر اشاره به برائت و دشمنی اعدا
ایشان نیز از ارکان ایمانست و ایشان دو قسم اند یکی آنکه دانسته از برای دنیا از راه حق منحرف شده اند و دیگر آنکه بنادانی متابعت
ایشان کرده اند مثل اکثر عوام پس اشاره بقسم اول نموده فرمود غیر المغضوب علیهم یعنی نه راه آن گروهی که غضب کرده
بر ایشان که دانسته مخالفت اهل بیت رسالت کرده اند پس اشاره بقسم ثانی نموده فرمود و لا الضالین
یعنی نه راه آن جماعتی که بنادانی گمراه شده اند و از اکثر احادیث چنین ظاهر میشود و بعضی گفته اند که مغضوب علیهم یهود اند
و ضالین نصاری و بعضی گفته اند که مغضوب علیهم آنهایند که در اصول دین گمراه شده اند و ضالین آنهایند که در فروع
دین گمراه شده اند۔ و اما ترجمه سوره قدر انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی بدرستیکه ما فرستادیم قرآن مجید را
در شب قدر که شب نوزدهم یا بیست و یکم یا بیست و سوم ماه مبارک رمضانست و احادیث در بیست و سوم بیشتر است یعنی شبی که
حق تعالی تقدیر امور سال را در آن شب میکند و خلاف است که نزول قرآن در این شب چه معنی دارد و بعضی گفته اند ابتدای
نزول در آن شب شد و بعضی گفته اند ختم نزول در آن شب شد و بعضی گفته اند که همه در آن شب از لوح محفوظ به بیت المعمور
نازل شد و در بیست سال آیه آیه و سوره سوره بحسب مصالح نازل شد و ما ادریک ما لیلة القدر
و از کجا دانستی که شب قدر چیست و چه فضیلت دارد تا ما بگوئیم لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از
هزار ماه و در بعضی روایات وارد شده است که عبادت شب قدر بهتر است از عبادت هزار ماه که در آنها شب قدر نباشد و در بعضی
از اخبار وارد شده است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب دید که بنی امیه بر منبر او مانند بوزینه بالا میروند و مردم
را از پس پشت بر میگردانند از این خواب ملول گردید جبرئیل این سوره را از برای تسلی آنحضرت آورد و فرمود که شب قدر برای اهل بیت
تو و شیعیان ایشان در هر شبها و روزها که ایشان را در آن حاصل میشود بهتر است از هزار ماه پادشاهی بنی امیه
که در آن شب قدر نیست تنزل الملئکة و الروح فیها باذن ربهم من کل امر پیوسته در آن شب
فرود می آیند فرشتگان و روح که اعظم است از فرشتگان در آن شب بر امام زمان باذن پروردگار ایشان
برای اعلام هر امری که مقدر شده است برای هر کس در آن شب یا از برای هر امری از مصالح دین و دنیای مردم سلام هی
حتی مطلع الفجر یعنی با سلامتی است این شب از برای دوستان خدا تا طلوع صبح یا ملائکه و روح تا صبح
بخدمت امام علیه السلام می آیند و سلام میکنند یا آنکه در زمین سلام میکنند از جانب خدا بر هر مؤمنی که در نماز
یا در رکوع یا سجود یا دعا باشد تا طلوع صبح و احادیث درین باب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها

نیارد و اما تفسیر سوره توحید روایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام که یهودان بخدمت حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند وصف پروردگار خود برای ما بیان کن این سوره نازل شد قل هو الله احد
یعنی بگو یا محمد آن خدائی که از او سوال کردید خداوندیست که مستحق عبادتست و خالق جمیع ممکناتست و مستجمع جمیع صفات کمال
و عقلها در ذات و صفات او متحیر است احد یعنی هیچگونه کثرت در ذات و صفات او نیست و مرکب از اعضا و اجزا نیست
و بسیط مطلق است و اجزای خارجیه و ذهنیه و عقلیه و همه اینها ندارد و صفت موجود زاید بر ذات ندارد و در خداوندی شریک ندارد
الله الصمد یعنی خداوند او مقصود بر حق صمد است یعنی همه خلق در همه امور باو محتاج اند و او محتاج بغیر خود نیست و همه
چیز باو قائم است و قائم بهیچ چیز نیست کامل بالفعل من جمیع الجهاتست محل حوادث و انفعالات نیست
لم یلد کسی از او متولد نشده است چنانکه کفار مکه میگفتند که ملائکه دختران اویند و چنانچه ترسایان
گفتند که عیسی پسر خدا است چنانکه بعضی از یهودان گفتند که عزیر پسر خدا است و اگر نه بایستی که جسمی باشد
مثل اینها و از نوع اینها و مرکب باشد بانواع ترکیبات و محتاج و ممکن باشد و محتاج بخالقی باشد که او را ایجاد
کند و از حضرت امام حسین علیه السلام منقولست که تتمه تفسیر لفظ صمد است یعنی از او چیزی کثیفی متولد نمیشود مانند
فرزند و بول و غایط و سایر کثافاتیکه از مخلوقین جدا میشود و نه چیزی لطیفی مانند نفس و کلام
و منعت بیرون نمیشود و حوادث مانند فکر و همه آن خطورات بال غم و اندوه و شادی و خنده و گریه و بیم و امید
و رغبت و ترس و ماندگی و گرسنگی و سیری و لم یولد یعنی زائیده نشده است از پدر و مادر نیست و این رد
است بر نصاری که عیسی را زائیده شده است از مریم او را خدا میدانند و خدا آنچه دیده اند خود است و وجود او
مستند بعلت و سببی نیست حضرت سید الشهدا صلوات الله علیه فرمود که یعنی از چیزی متولد نشده است از چیزی بیرون
نیامده است او چنانکه اشیای کثیفه از عناصر خود بیرون می آیند مانند حیوان که از حیوان دیگر بهم میرسد و مانند گیاه که از
زمین بهم میرسد و مانند آب که از چشمه بیرون می آید و مانند چیزهای لطیف که از مرکزهای خود بیرون می آیند چون
بینائی که از چشم بیرون می آید و شنوائی که از گوش بهم میرسد و بوئیدن که از بینی بیرون می آید و چشیدن
که از دهان بیرون می آید و دانائی و تمیز که از دل ناشی میشود و آتش که از سنگ بیرون می آید بلکه او صمد است
خداوند صمد یعنی که نه از علت بهم رسیده است و نه در چیزیست که مکان داشته باشد مانند جسم که
محتاج بمکان و مانند عرض که محتاج بمحل است چون سفیدی و سیاهی بر چیزیست مانند پادشاهی که بر تخت
نشسته باشد همه ممکنات را او از عدم بوجود آورده است و بقدرت کامله خود همه را خلعت هستی پوشانیده است
فانی می گرداند هر چه را خواهد زائل گرداند و باقی میدارد هر چه را مصلحت در بقای او داند و لم یکن

لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ یعنی احدی از ممکنات کفو و مثل و شبیه و نظیر او نیست پس نه جسم است که با اجسام
مانند باشد و نه جوهر است که بجوهر شبیه باشد و نه عرض است که مانند اعراض محتاج بمحلی باشد و در خدائی نه عدیل و شبیه دارد
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت است که پرسیدند از تفسیر این سوره فرمود که خدا احد است بی آنکه تعدد در ذات و صفات او
باشد و صمد است بی آنکه اعضا و اجزا داشته باشد و فرزندی ندارد که وارث پادشاهی او باشد زیرا که هر که فرزندی دارد
جسم است و در معرض فنا است و از آن پادشاهی به دیگری میرسد و از کسی متولد نشده است و اگر نه او نیز خداوندی میراث
خواهد بود و لا اقل شریک او خواهد بود و در تفسیر این سوره که بسیار اگر کتابها نوشته شود فی العشری از اعشار آن
نمیتوان کرد و سنت است که چون از این سوره فارغ شود خواه در نماز و خواه در غیر نماز سه مرتبه بگوید کَذٰلِکَ
اللهُ رَبِّی یعنی چنین است خداوندی که پروردگار من است و بهترین سورها که در نماز خوانده شود این دو سوره است
و در حدیث وارد شده است که عجب دارم از کسی که این دو سوره را در نماز نخواند چگونه نماز او مقبول میشود و در بعضی از روایات
وارد شده است که در رکعت اول سورهٔ اِنّا اَنْزَلْناهُ بخواند که سورهٔ حضرت رسول و اهل بیت او علیهم السلام است
و ایشان را شفیع خود گرداند در درگاه خدا و بایشان متوسل شود و در رکعت دوم سوره توحید بخواند که بعد از این دعا
مستجاب است یا آنکه دعائی که در قنوت بخواند مستجاب میشود و در روایت دیگر دلالت بر عکس آن میکند و هر دو
خوب است و فضیلت این دو سوره بسیار است اما سنت است که در نماز صبح روز دوشنبه و پنجشنبه سوره هَلْ اَتٰی بخواند
و در نماز شام و خفتن شب جمعه سورهٔ جمعه در رکعت اول و سورهٔ سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ در رکعت دوم بخواند و اگر
در رکعت دوم سوره قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ بخواند نیز خوب است و صبح روز جمعه سورهٔ جمعه در اول رکعت و قل هو الله
در دوم رکعت بخواند و در نماز جمعه و ظهر و عصر روز جمعه سورهٔ جمعه و منافقون بخواند و در نماز خفتن سایر شبها سَبِّحِ اسْمَ
رَبِّکَ و قُلْ هُوَ اللهُ بخواند پس چون تمام شود آنچه گفته شد پس دستها را بردارد و بگوید اللهُ اکبر از جهت رفتن
برکوع و واجب است که آن مقدار خم شود که دستش بزانو برسد و مردان را سنت است که آنقدر خم شوند که پشتش درست شود
زانوها را به پشت بکشد و پاها را گشاده باز نمانند و زنان را سنت است که بسیار خم نشوند بلکه آنقدر خم شوند که دست ایشان
بزانوها تواند رسید و دستها را بر زانوها نگذارند بلکه بر بالای زانوها بران بگذارند و دستها را بجو نچسپانند و ذکر رکوع
کافیست و بهتر آنست که سه مرتبه بگوید سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ یعنی پاک و پاکیزه و مقدس و منزه می دانم
پروردگار بزرگ خود را از هر چه لایق بعظمت جلال او نباشد که بزرگی و جبروت او را شاید در حال آنکه شکر و ستایش
میکنم او را برآنکه مرا توفیق تنزیه خود داده او یک مرتبه کافی است و هفت مرتبه بهتر است پس سر بردارد و راست
شود و بعد از آن بگوید سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ یعنی حقتعالی شنید و اجابت

نمود و جزای خیر داد و بر کسی که ستایش او کرد همه ثناها و ستایشها برای خداوندیست که پروردگار عالمیانست
و گفتن سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ مستحب بعمل می آید پس اللّٰهُ اکبر بگوید و در حالت دست برداشتن و چون
تمام کند برود بسجده و مرد دستها را پیش از زانو بر زمین گذارد و زن را سنت که زانوها را پیش از دستها بر زمین گذارد
و پیشانی را بر زمین گذارد یا بر چیزی که از زمین روییده باشد که نخورند و نپوشند و سنت که بر خاک کربلا باشد باید که
سر دو دستها و زانوها و سر انگشتان ابهام پاها بر زمین باشد و زور او بر همه اعضا باشد و سنت که بینی را بر جای گذارد و مرد را
سنت که بال کشاده باشد و اعضای او از یکدیگر جدا باشد و زن را سنت که اعضای خود را بیکدیگر بچسباند و دستها را
تا ذراع بر زمین بچسباند و چون درست قرار گیرد و گند بهتر آنست که سه مرتبه سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی وَبِحَمْدِهٖ پنج مرتبه
یا هفت مرتبه بگوید یکی کافی است ترجمه آن اینست که منزه و مقدس میدانم پروردگار خود را که از همه چیز بلندتر است
بحسب مرتبه از هر جهة بلندی و رفعت و از نقص و رذایل آنکه مشغولم بستایش و ثنای او برای آنکه توفیق بخشیده است مرا
که تنزیه بجا آورم پس سر بردارد و درست بنشیند و پشت پای راست را بر شکم پای چپ گذارد و دست بردارد و
اللّٰهُ اکبر بگوید و بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّیْ وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ یعنی طلب آمرزش میکنم از پروردگار خود و باز میگردم
بسوی او پس بگوید اللّٰهُ اکبر و دست بردارد پس بسجده دوم برود مثل اول چون سر برداشت بنشیند اللّٰهُ اکبر
بگوید و چون خواهد که برخیزد اول زانوها را بردارد و دیگر دستها را و در وقت برخاستن بگوید بِحَوْلِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَ
قُوَّتِهٖ اَقُوْمُ وَاَقْعُدُ یعنی بیاری خداوند عالم که بلندتر است از آنکه عقل باو برسد و بقدرت و توانائی او برخیزم
و می نشینم و زنان را سنت که اول دستها را بردارند و بعد از آن زانوهای خود را که بعد برخیزند و آنکه عقب ایشان بلند شود
و خوبست پس از سجده سوره حمد را بخواند و چون باد سوره دیگر بخواند فرقی ندارد و بهتر آنست که قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ بخواند پس
اللّٰهُ اکبر گوید بجهت قنوت در دعا پس دستها را برابر رو دارد و شکم دست بجانب آسمان باشد و قنوت را بخواند
احتیاطاً بقصد قربت بهتر آنست که کلمات فرج را بخواند لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ یعنی نیست معبودی بجز خدای
یکتا جامع جمیع صفات کمال که بردبار و بخشنده است لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ یعنی نیست معبودی
بجز معبود بحق سزاوار پرستش که بلندمرتبه و بزرگوار است سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِیْنَ
السَّبْعِ وَمَا فِیْهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ یعنی پاک
و منزه و مقدس است خداوندی که پروردگار آسمانهای هفتگانه است و زمینهای هفتگانه است و پروردگار
آنچه در آسمانها و زمینها است و آنچه در میان آنهاست و پروردگار عرش عظیم است یعنی تختی که حقتعالی بالای
آسمانها برپا کرده و حجت بر ملائکه و خلق کرده است و از همه جهان بزرگتر است نزد بعضی از اخبار تفسیر عرش

معلم حقتعالی شده است و در رسالتها و آفرینشها مر خدا راست که پروردگار جهانیانست و این دعا را ابن بابویه
کلمات فرج میگویند و از بهترین دعاهاست و در همه قنوت نمازها مستحب است خصوص قنوت نماز جمعه و نماز وتر و تلقین میت و در وقت جان دادن
از برای آسانی قبض روح پس بهتر است که بعد از این بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بهترین دعاها
و دعا بعد از صلوات بر محمد و آل محمد مستجاب میشود یعنی خداوندا رحمت و درود و ثنا و تحیت فرست بر محمد
و آل محمد که حضرت علی و فاطمه و یازده امام از فرزندان ایشان اند پس بگوید اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا
واعف عنا فی الدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر یعنی خداوندا بیامرز گناهان ما را و رحم
کن بر ما و عافیت ده ما را از دردها و بیماریها و فتنهها و عفو کن از ما خطاهای ما را در سرای دنیا و آخرت بدرستیکه تو
بر همه چیز قادر و توانائی و هر چند دعا بیشتر بخواند در قنوت بهتر است و در حدیث وارد شده که هر که قنوت او طولانی
تر است راحت او در آخرت بیشتر است باید دعا اول و آخر صلواتها و بر اقل دعا اکتفا میتوان کرد اگرچه یکمرتبه
سبحان الله باشد پس الله اکبر بگوید و برکوع رود مثل رکعت اول چون سر از سجده دوم بردارد
بران جیب بنشیند و شرو پا را از جا راست بیرون آورد و پشت پای راست بر شکم پای چپ گذارد و دستها را
بر رانها بگذارد و انگشتان را بیکدیگر بچسباند و نظر بدامن خود بکند و تشهد بخواند و زن در نشستن تشهد
و غیر آن در نماز سنت است که رانها را بیکدیگر بچسباند و زانوها را از زمین بردارد و بر الیتین خود بنشیند بر دستیکه
بر سر پا بنشیند و اگر زانوها را از زمین بردارد و گرد بنشیند که اعضای او بهم چسبیده باشند و در تشهد شهادتین
و وجوب صلوات بر محمد و آل محمد بنابر مشهور و اولی آنست که صلوات را بقصد وجوب بجا آرد و باقی دعاها
را بقصد سنت باین نحو بخواند بسم الله وبالله والحمد لله وخیر الاسماء کلها لله اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم
صل علی محمد وآل محمد وتقبل شفاعته فی امته وارفع درجته یعنی یاری میجویم
بنام بزرگ خدای که سزاوار پرستیدنست و بخدای یگانه و همه ثناها مخصوص خداست و بهترین نامها
مخصوص خداست اشهد ان لا اله الا الله یعنی گواهی میدهیم باینکه نیست معبودی بغیر خدا که جامع
جمیع کمالات و مستحق عبادتست و در حالتیکه یکتا و منفرد است در خداوندی و او را شریک و انبازی نیست در
استحقاق عبادت واشهد ان محمدا عبده ورسوله یعنی گواهی میدهیم باینکه محمد بنده اوست و
پیغمبر فرستاده اوست بهتر آنست که بعد از رسوله بگوید ارسله بالحق بشیرا ونذیرا بین یدی
الساعة اشهد ان ربی نعم الرب وان محمدا نعم الرسول وان الساعة

آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ یعنی فرستاده است اورا
براستی و در بشک و شبهه و حالتی که بشارت دهنده است جهت بفضل خدا کسی اکه بدین حق اقرار کند
و ترساننده است از عقوبت عدل خدا کسی اکه از دین حق بدر رود و یا اصرار بر کبایر کند و در پیش و
نیست قیامت مبعوث گردیده است یعنی نزدیک بقیامت پیغمبر بعد از و مبعوث نیست گواهی میدهیم که بزرگوار است نیکو
پروردگار است این محمد نیکو رسولیست و بدرستیکه قیامت آینده است و شکی و شبهه نیست ان
و بدرستیکه خدا بر می انگیزاند و زنده میگرداند آنهائی را که در قبرها مدفون اند ثنا و ستایش مر خدای
را که بفضل خود راه نمود ما را باین اعتقادات و نبودیم که بقوت خود راه توانیم یافت اینها را اگر نه
خدا ما را راه مینمود اللهم صل علی محمد و آل محمد یعنی خداوندا درود بفرست بر محمد
و آل محمد یعنی تعظیم کن او را باعلای دین او و اظهار دعوت او و اعظام ذکر او و ابقای
شریعت او و در آخرت بقبول شفاعت او در حق امت او و مضاعف گردانیدن ثواب او
و ظاهر گردانیدن فضیلت او بر اولین و آخرین و تقدیم او بر کافه انبیا و مرسلین صلوات الله
علیهم اجمعین و مذکور شد که مراد با آل آن حضرت دوازده امام معصوم اند و حضرت فاطمه علیها
السلام وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ یعنی قبول کن شفاعت
آنحضرت را از برای امت و بلند گردان درجه او را و بهتر است پس سنت است که بعد ازین دو مرتبه
یا سه مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین پس اگر نماز دو رکعتی باشد سلام دهد و
اگر سه رکعتی باشد سلام دهد و اگر سه رکعتی یا چهار رکعتی باشد برخیزد و می گوید بحول الله تعالی
و قوته اقوم و اقعد و نیز میگوید در برخاستن از برای رکعت چهارم و مخیرست در دو رکعت آخر میان
حمد و تسبیح اگر تسبیح گوید بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر احوط آنست
که بالله اکبر و استغفر الله را ضم کند بقصد قربت و اگر سه مرتبه بگوید یا استغفر الله اکمل است
و اگر سه مرتبه تسبیحات را الی الله اکبر بگوید جایز نیست اگر الله اکبر را آخر الحاق کند که ده تسبیح شود
احتیاط است اما تخصیص روایتی ندارد و ظاهر خواست اگر امام در نماز جماعت باشد حمد بهتر و اگر منفرد است
تسبیح افضل است و بعد از تشهد آخر نماز آنکه سلام بگوید بقصد قربت و بهتر آنست که چنین
بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی